

قیام امام حسین علیه السلام و عاشورا در اندیشه و اشعار اقبال لاهوری

دکتر سید کمال حسینی^۱

محمد عمر مبارز^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

چکیده

عاشورای حسینی نهضتی جهانی است که توسط عزیزترین فرزند خاندان نبوت، امام حسین علیه السلام آغاز و به عنوان مکتب فکری نسل اندر نسل توسط آزادی خواهان حفظ شده است. یکی از طلایه داران نهضت عاشورای حسینی، مجاهد بیدارگر علامه اقبال لاهوری از اندیشمندان اهل سنت هند و پاکستان است. اقبال لاهوری دارای منظومه فلسفی و جهان بینی خاصی است، لذا اشاراتی کوتاه به خطوط کلی فلسفه و جهان بینی خود و نسبت آن با جایگاه و منزلت والای امام حسین علیه السلام و یارانانشان کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه ای، جایگاه عاشورای حسینی را از دیدگاه اقبال لاهوری کاویده است. یافته های پژوهش جایگاه حماسه حسینی در منظومه فکری اقبال و تأثیرپذیری او از مزایای ارزشمند حماسه

۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی استان گلستان، دکترای تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول).

S.k.hosseini113@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه مقارن جامعه المصطفی نمایندگی گلستان.

حسینی را نشان می‌دهد. از نظر اقبال بهترین نسخه علاج مسلمانانی که در انحطاط فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند، عاشورا است. در اندیشه کلان تمدنی اقبال، نهضت عاشورا می‌تواند به عنوان حلقه وصل ملت‌ها قرار بگیرد. **کلیدواژه‌ها:** اقبال لاهوری، امام حسین علیه السلام، نهضت عاشورا.

مقدمه

در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، نهضت عاشورا به عنوان یک حادثه مهم ثبت شده است که به شهادت عزیزترین فرزند خانواده نبوت انجامید. اکنون بیش از چهارده قرن از این واقعه خون‌بار می‌گذرد اما این جریان هنوز به شکلی پویا و زنده در صحنه حیات بشری، حضور دارد. واقعه عاشورا از همان ابتدا موضوع بحث اندیشمندان بوده است و تاکنون اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان نظریات بسیار متنوعی در تحلیل این واقعه ارائه داده‌اند و هر دانشمندی واقعه را با توجه به اطلاعات خود، مورد ارزیابی قرار داده است. در میان اهل سنت بیشتر جنبه تاریخی نقطه عطف بوده است و جنبه‌های حماسی و انقلابی تا حدودی مغفول مانده است در حالی که در عصر حاضر شعرو ادبیات نقش بسیار ارزنده در عرصه‌های مختلف دارد و شاعران همواره در صدر کارهای فرهنگی بوده‌اند. کام‌ها و لب‌های کلان‌ترین انقلاب‌ها و حرکت‌ها با شعرو ادبیات شریفین مانده است. شاعران اهل سنت در سروده‌هایشان از واقعه کربلا و شهادت سالار شهیدان و یارانش به عنوان الگوی مقاومت و ایستادگی، آزادی، عدالت خواهی، اصلاح مردم و مانند اینها یاد کرده‌اند. پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که نهضت عاشورای حسینی از دیدگاه اقبال لاهوری شاعر پراوازه اهل سنت چیست؟ به نظر می‌رسد که اندیشه‌های انقلابی اندیشمند بزرگ اهل سنت، علامه اقبال لاهوری در مورد عاشورا خیلی ارزشمند است. تبیین عاشورا به واسطه اقبال در زمان‌های واپسین بهترین الگوی فکری برای نهضت‌های معاصر اسلامی شده است و نقش سروده‌های این شاعر بلند پایه در سبک زندگی مردم به وضوح دیده می‌شود.

دشمنان اسلام در عصر کنونی بیشتر از هر زمان دیگر با استفاده از جنگ نرم و



تبلیغات رسانه به دنبال شعله‌ور ساختن آتش نفاق و درگیری میان شیعه و سنی است. برای نمونه تمام سعی و تلاش و خود را به خرج می‌دهد تا مانع آگاهی شیعه و سنی از معارف یکدیگر شود در حالی که مشترکات این دو مذهب بی‌نهایت زیاد است. یکی از این موارد، واقعه تاریخی عاشورای حسینی است که در آن فرزند و جگرگوشه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به همراه خانواده‌اش شهید می‌شود. گروه‌های منافق به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که این واقعه فقط مربوط به تاریخ تشیع می‌شود، در حالی که اهل سنت در منابع فقهی، کلامی، تاریخی و تفسیری کمتر از شیعه بحث نکرده‌اند. در رابطه با نهضت عاشورای حسینی کتاب‌ها و مقالات زیادی از دیدگاه تاریخی، اخلاقی و اجتماعی نوشته شده است ولی از دیدگاه شعراء اهل سنت کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ از این رو پرداختن به این موضوع ضروری بود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به استخراج نظریات شاعر شهیر سنی مذهب، علامه اقبال لاهوری پیرامون بحث مورد نظر پرداخته است. از مهمترین اهداف پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بررسی نهضت عاشورا بر اساس اندیشه‌های اقبال لاهوری شاعر پراوازه اهل سنت، تا آشکار شود، عاشورا فقط مربوط به یک گروه خاص نیست، بلکه گفتمان بین‌المللی است.
۲. پژوهش حاضر بر آن است تا با احیای اندیشه‌های اقبال لاهوری، جهان اسلام را آماده تبدیل شدن به ملت واحد و همسوبا منافع اسلامی کند.
۳. چهره عقلانی و عرفانی عاشورای حسینی را به دور از افراط و تفریط تبیین کند، تا نقطه وصل امت‌ها و ملت‌ها قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در ساخت و شکل‌دهی موضوع و رویکرد این پژوهش الهام بخش بوده می‌توان به مقالاتی نظیر «عاشورا و قیام امام حسین در شعر شاعران اهل سنت» اثر فاطمه آزادینژاد و حمزه علی، «امام حسین علیه السلام و عاشورا از دیدگاه اهل سنت» نگارش سید محمد حسینی شاهرودی و «ادبیات عاشورایی، سیر تحول و تکامل آن در

ادب فارسی» به قلم ماهرخ آهمه اشاره کرد. با این همه هیچ‌یک از این آثار به بررسی دیدگاه اقبال لاهوری درباره قیام امام حسین علیه السلام نوشته نشده است.

مفهوم شناسی

جهت تبیین و درک درست از پژوهش، توضیح مفاهیم کلیدی و کاربردی در پژوهش ضرورت دارد. از این رو نخست به بیان و توضیح مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود.

۱- سیاست شرعی (فقهی)

سیاست واژه‌ای عربی است که اصل آن «سوس» به معنای: نگهداری کردن، سرپرستی، اصلاح و ارشاد مردم به راه رستگاری، حکومت‌داری، اداره امور مملکت، فن کشورداری و اداره امور داخلی و خارجی آن آمده است (مرتضی الزبیدی، ۱۹۸۴: ۴/۱۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۱۰۸). منظور ما از سیاست شرعی همان است که فقهای اسلامی آن را به‌کار گرفته‌اند. علمای اسلام با توجه به مفهوم عام و خاص این کلمه و با استنباط از دلایل شرعی و سیرت نبوی در نحوه حکومت‌داری معنی سیاست شرعی را چنین بیان داشته‌اند: «السیاسة الشرعية هي تدبير الشؤون العامة للدولة الإسلامية بما يكفل تحقيق المصالح ورفع المضار، مما لا يتعدى حدود الشريعة وأصولها الكلية»؛ «سیاست شرعی عبارت از: اداره امور داخلی و خارجی دولت اسلامی در پرتو احکام و مقررات و قواعد کلی شریعت به نحوی که مصالح علیای دولت تحقیق یافته و از خطر مصون بوده باشد» (راجی، بی‌تا: ۵). بنابراین سیاست حکومت اسلامی، دارای قانون و شریعت واضح، سیاست اقتصادی عادلانه، سیاست عسکری با ارزش‌های متعالی، سیاست تعلیمی مفید و کارآمد و سیاست اعلامی و نشراتی با اهداف متعالی است.

۲- شعر

شعر در لغت به معنای ترانه، چامه، چکامه، رباعی، غزل، قصیده، کلام مخیل و نظم آمده است. در لغت‌نامه‌ها برای شعر تعریف‌های گوناگونی آورده شده است. علمای عربی سخنی که دارای وزن و قافیه موزون باشد و دلالت بر معانی کند را شعر گویند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷/۱۲۴).

۳- اهل سنت

اهل سنت اصطلاحی در علم ملل و نحل است که بر گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود. «اهل» در لغت به معنی شایسته و سزاوار، خانواده، فامیل و به معنای گروهی است که در امری از امور با هم شریک باشند مانند «اهل بیت» که در پیوند خانوادگی و «اهل اسلام» که در عقیده قلبی، شریک یکدیگر هستند و کسانی که در یک جای اقامت دارند (عمید، ۱۳۸۸: ۱۷۰). «سنت» از فعل «سَنَّ، یَسَنَّ و یَسُنُّ» و مصدر «السَّنُّ» (الازهری، ۲۰۰۱: ۲۱۱/۱۲) گرفته شده که جمع آن به صورت‌های «السَّنُّ، السَّنُّ، السِّنُّ» به معنی طریقه، راه و روش پیروی شده و پیموده شده، چه نیک و ستوده شده باشد، چه زشت و ناپسند نیز آمده است (الفیومی، بی تا: ۱/۲۹۲؛ مرتضی الزبیدی، ۱۹۸۴: ۳۵/۲۳۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۲۶). به معنی حکم و قانون الهی؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَلَكُنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب / ۶۲؛ فتح / ۲۳)؛ «و هرگز برای سنت و قانون الهی تغییری تبدیلی نخواهی یافت» (عبدالحمید عمر، ۱۴۲۹: ۱۱۲۲/۲) و به معنی الگو و نمونه‌ای که مورد تقلید قرار گیرد، چنانچه عرب‌ها می‌گویند: «بنوا بیوتهم علی سنن واحد» (مصطفی و زیات، بی تا: ۱/۴۵۶)؛ خانه‌هایشان را بر یک نمونه و مثل هم ساخته‌اند. «سنت» در میان علما، دو کاربرد دارد. یکی عبارت از: «تمام آنچه که از پیامبر اکرم ﷺ به ما نقل شده باشد، سنت گفته می‌شود که عبارت‌اند از قول، فعل، تقریر، ویژگی‌های انسانی و اخلاقی ایشان، سیره ذاتی، عَزَوَات و تمام اخبار و اطلاعات پیش از بعثت و بعد از آن که متعلق به زندگی آن حضرت باشد» (نمله، ۱۴۲۰: ۲/۶۳۶). مجلسی از محدثین امامیه اینگونه تعریف می‌کند: «سنت عبارت از: راه و روش پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام در قول، فعل و تقریر که از ایشان حکایت شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۰). و دیگری «سنت» در مقابل «بدعت» است. عمل و کاری که قابل استناد به شریعت باشد «سنت» و خلاف آن «بدعت» است. چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است: «أَحْيَا السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ» (تهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)؛ آنان سنت را زنده کرده و بدعت را میرانده‌اند.

منظور از اهل سنت در اصطلاح کلامی گروهی است که دارای نظام معرفتی خاص هستند. ایشان امامت را بعد از نبوت به عنوان امر منصوص قبول ندارند، فرقه‌ای از

مسلمانان که قائل به خلافت ابوبکر هستند و خلاف شیعه که علی بن ابی طالب را جانشین بلافصل و منصوص پیامبر اسلام ﷺ می‌دانند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۵۹۲).

۴- نهضت عاشورا

نهضت به معنی حرکت است. «استطاع الطَّيْرَانُ بَعْدَ نَهْضَةٍ»: پرنندگان بعد از یک حرکت توانمندی پرواز را دریافتند؛ «نهضة الشَّباب المال»: جوان قدرت در یافتن مال را پیدا کرد. از این رو خیزش در راه انقلاب اجتماعی و برای مکان بلند نهضه گفته می‌شود، چرا که از سایر مکان‌ها در بلندی پیشتر است. منظور از «نهضت اسلامی» در این پژوهش، به آن بخشی از امت اطلاق می‌شود که امکانات و منابع معنوی، فکری، مادی و انسانی خود را در جهت تأسیس حکومت اسلامی بسیج کنند. اگر بخواهیم واژه نهضت / جنبش را با پسوند «اسلامی» به کار ببریم، باید معنای آن «تلاش جمعی و نسبتاً منظم برای پیشبرد اهداف اسلامی» دانسته شود؛ چنانچه عمید زنجانی (۱۳۶۸: ۲۱) در تعریف نهضت می‌نویسد: «انقلاب اسلامی عبارت از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه، نظام سیاسی منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی است».

جنبش‌های اسلامی در یک امر محوری، اشتراک دارند و آن احیای قوانین و ارزش‌های دین مقدس اسلام است. اما اینکه ارزش‌ها دارای ماهیت سنتی، نوگرا، اصلاح طلب و یا انقلابی باشد، گرایش‌های مختلفی را در نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. با توجه به توضیحات پیش آمده منظور ما از نهضت عاشورا در این پژوهش قیام امام حسین علیه السلام در برابر حکومتی است که بر ارزش‌های اسلامی پای بند نبود و امام حسین علیه السلام برای تحقق عملی قوانین و احکام اسلامی در تمامی زمینه‌ها از طریق در اختیار گرفتن قدرت سیاسی قیام کرد تا جهان را از ظلمت نجات بخشد و با تشکیل خلافت اسلامی و احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر بستر هدایت را فراهم سازد. وی به سمت کوفه حرکت کرد ولی مردم آنجا به عهد خود وفا نکردند. امام علیه السلام با لشکر عمر بن سعد رو برو شد و حضرت برای احیای خلافت الهی که توسطه معاویه به ملوکیت تبدیل شده بود، قیام کرد. تقدیر الهی بر شهادت رقم خورد (ابن کثیر، بی‌تا: ۴ / ۱۳۰). وقتی خبر شهادت

حسین علیه السلام به مدینه و سایر شهرهای اسلامی توسط یزید رسید، مردم نفرت خود را نسبت به دستگاه حکومت اظهار کردند. از همان زمان تا به امروز از حسین علیه السلام به عنوان الگوی شجاعت و مردانگی یاد می‌کنند و راه او را ادامه می‌دهند (ابن عبدالبر، بی تا: ۱/۳۸۲). پس آن نهضت‌های دیگری مانند نهضت عبدالله بن زبیر در حجاز رخ داد. ابن کثیر نقل می‌کند فرزند دوم یزید به نام معاویه، مشعل‌دار پرچمی شد که حسین علیه السلام برداشته بود و می‌گفت من هرگز شیرینی خلافت را نچشیده‌ام بار تلخی آن را هم به دوش نمی‌گیرم (خطیب بغدادی، بی تا: ۱۳/۳۶۸). مختار ثقفی خود را بر عدم یاری حسین علیه السلام ندامت کرد و مانند بنی امیه، تمام قاتلین را کشت و خانه‌هایشان را ویران کرد. وی عبدالله بن زیاد، ابن سعد، شمر بن ذی الجوشن، خولی بن یزید و حصین بن نمیر و همه کسانی که در شهادت امام علیه السلام نقش داشتند را کشت (برفی، ۱۳۹۶: ۱۷۹-۱۸۰).

زندگی نامه اقبال

اقبال فرزند شیخ نور محمد است. وی مردی عفیف و با ایمان بود که تجارت بزاری داشت و به دلیل دانش دوستی، خانه و دکان او همچون دارالعلوم برای مباحثه و مناظره میان عالمان و شاعران محلی درآمد بود. بیشتر نگاه صوفیانه در خانه حاکم بود و در آن فتوحات مکیه و فصول الحکم ابن عربی بحث می‌شد. اقبال در یکی از مصاحبه‌های خود گفت: درباره احوال زندگی‌م اگر پرسید در آن چیزی جالبی نیست. در مورد تاریخ تولد وی اختلاف است. گفته می‌شود وی در سال هجدهم آبان ۱۲۵۶ در سیالکوت چشم به جهان گشود و در اول اردیبهشت ۱۳۱۷ ش در لاهور به دیار باقی شتافت.

محمد اقبال لاهوری شاعر متفکر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قاره هندوستان است. وی تحصیلات خود را در انگلستان و آلمان به پایان رسانید و از پیشروان و اصلاح طلبان بزرگ مسلمان هند و از بنیان کشور پاکستان شمرده می‌شود. آثار او در مجموعه‌هایی به نام «پیام مشرق»، «زبور عجم»، «اسرار و رموز»، «ارمغان حجاز»، «جاوید نامه» به چاپ رسیده است و ده‌ها کتاب و مقالات دیگر نیز از او به جای مانده است. در تاریخ ادبیات فارسی اقبال شاعری در ردیف قهرمانان

جاوید شعر فارسی از قبیل مولانا، سعدی و حافظ است و سبک جدیدی در شعر دارد (اقبال، ۱۳۶۲: ۷۵-۱۴۰).

اقبال و تعهد در شعر

شعراء اهل سنت حادثه کربلا و شخصیت بی نظیر امام حسین علیه السلام و یاران با وفاء و خاندان ایشان را در هر عصر و زمانی و با هر لحن و زبانی ستوده‌اند. زمزمه‌های تاریخی نهضت عاشورای حسینی همواره زنده است. در این میان شعر و ادب به اندازه خودش در احیاء نهضت عاشورای حسینی نقش داشته است. شعر سرایی در وصف نهضت عاشورای حسینی از گذشتگان ما به میراث مانده است. محمد بن ادریس شافعی، معروف به امام شافعی از پیشوایان اهل سنت در قرن دوم هجری می‌زیسته است. او نه تنها در فقه، بلکه در شعر هم پرآوازه بود. اهل بیت علیهم السلام در اشعار او جایگاه ویژه‌ای داشتند.

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعَظِيمِ الْفَخْرِ انْكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

ای خاندان رسول خدا، محبت و دوستی شما از طرف خداوند واجب شده و این فریضه‌ای است که آن را قرآن نازل کرد. همین افتخار بزرگ برای شما بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد نمازش، باطل است.

به همین منوال شاعران متعدد دیگری در مورد نهضت عاشورای حسینی شعر سرودند. یکی از این شعراء انقلابی علامه اقبال لاهوری است. اقبال حکیمی فرزانه و شاعر متعهدی است که اشعارش وسیله بیداری مسلمانان است. وی اهداف عالی خود را توسط کلمات موزون و عبارات مسجع بیان می‌کرد.

از ستایش گستری بالاترم پیش هر دیوان فرو ناید سرم

اقبال شعر را وسیله تبیین افکار فیلسوفانه و حکیمانه خود برای سازندگی و استقلال

قرار داده بود (شادروان، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

یکی از وقایع ارزنده در تاریخ اندیشه اسلامی، واقعه عاشورا است که از دیدگاه اندیشمندان مسلمان منبع الهام بخش برای نگاه حکیمانه شعراء است که به ویژه در میان شعراء انقلابی و جهادی و تمام انسان‌های آزاد اندیش محبوبیت خاص دارد.

شعراء اهل سنت این واقعه را در اشعار فاخر و زیبایشان در قالب شعر سروده‌اند و در احیاء و زنده نگه داشتن این حرکت انقلابی نقش داشته‌اند. اما آنچه اقبال را ممتاز می‌کند این است که او در عصری می‌زیست که مزرعه فرهنگی اسلام را آفت استعمار شخم زده بود و در سکوت غم انگیز و مرگبار پاییزی فرورفته بود. در این زمان اقبال اندیشمند، فیلسوف، سیاستمدار، مجاهد و محقق، عارف، اسلام شناس، صاحب دو فرهنگ شرق و غرب و شاعر در صحنه حضور یافت و در کنار سایر فعالیت‌های خویش، اسلام و شخصیت‌های اسلامی را با شعر توصیف و تمجید کرد. وی آیین حیدری، زندگی بر سبک حضرت علی علیه السلام، را پیشنهاد می‌دهد.

لافتی الی الی لاسیف الی الی ذوالفقهار

هرکه گردد در جهان چون بو تراب باز گردد ز مغرب آفتاب

اقبال اینگونه به شعر تعهد داشت و برای عرب و عجم با کمال عشق و سوز، ترانه‌های

آسمانی سرود و رسالت خود را انجام داد (شادروان، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

نقش نهضت عاشورای حسینی در سبک زندگی اقبال

اقبال لاهوری از اندیشمندان پرتطرفدار جهان اسلام است. اندیشه و تفکر اقبال با خواندن کتاب‌های متعدد و اندیشه‌های مختلف شرقی و غربی تکامل یافته است. مطالعه و بررسی اندیشه‌های اقبال نشان می‌دهد وی همانند سایر آزادی خواهان و انقلابی‌ها متأثر از نهضت عاشورای حسینی بوده است. اقبال در روزگار خودش متفاوت اندیشید و متفاوت زیست و در زنده نگه داشتن تراث گرانسنگ اسلامی نهایت تلاش کرد. نهضت عاشورای حسینی در خلال اعصار طولانی در خلافت‌هایی مانند عباسیان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان، ابدالیان، عثمانیان و صفویان وجود داشته است. در برخی حکومت‌ها، کم رنگ و در برخی دیگر به گونه پر رنگ به عنوان غذای فکر و روح و به عنوان عنصر وحدت بخش وجود داشت. بارها حکومت‌ها و مردمان مظلوم در برابر حکومت‌ها و مردمان ظالم با الگوی نهضت عاشورا قیام کرده‌اند. امام ابوحنیفه پیشوای بزرگترین مذهب فقهی اهل سنت هرگونه بیعت با

حکومتی که از طریق جبر، اکراه و غلبه شکل گرفته باشد، مردود می‌داند. تنها راه انتخاب خلیفه و تشکیل حکومت، بیعت و پذیرش اهل حل و عقد است که شخص دارای شرایط خلافت برگزیده شود و اگر حاکم از غیر این طریق به حکومت بیاید آن را غیر مشروع می‌داند (شلبی، ۱۹۸۳: ۵۹-۶۴). با نوشدن جهان و تعامل انسان مسلمان با جهان غرب، پس از آنکه استعمار انگلیس، روس و فرانسه به جهان اسلامی سلطه پیدا کردند، و پس از آن نظم امپراتوری را به نظم ویستفالیایی یا دولت ملت تغییر دادند و کشورهای اسلامی را به عنوان مستعمره‌های خود قلمداد کرد، در این بازه زمانی بازخوانی حماسه حسینی نقش ارزنده‌ای را برای احیاء تمدن اسلامی، جنبش‌های متعدد و گوناگون همچون جنبش خلافت در هندوستان در برابر استعمار انگلیس، جنبش باسماچی‌ها در ماوراءالنهر در برابر قشون سرخ شوروی، نهضت و جنبش جهادی افغانستان بر علیه اتحاد جماهیر شوروی و جنبش‌های آزادی بخش در کشورهای افریقایی ایفا کرد. در هند اسلامی اصلاح طلبانی همچون اقبال سعی کردند تا علما را آموزش بدهند و از این طریق جلوی استعمار را بگیرند (ساکت، ۱۳۸۵: ۱۰۳). اقبال لاهوری درباره عاشورا قرائت جدید انقلابی ارائه و زمان معاصر را با تراث گذشته مسلمانان پیوند داد و با تمام سیاست‌های استعماری مخالف کرد. وی با آنکه در اروپا تحصیل کرد ولی مجذوب زرق و برق تمدن سکولار غرب نشد. وی هر چند از بسیاری از متفکران مغرب زمین تأثیر پذیرفته است ولی او را نمی‌توان پیروی یکی از فیلسوفان غرب دانست (همان، ۱۸۲). اقبال لاهوری پیش‌آهنگ و مبشر پاکستان جدید است و از او به عنوان بنیانگذار دولت اسلامی جدید یاد می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۴۷: ۲۴۶). آزادی پاکستان به عنوان یک دولت مستقل با انقلاب و قیام‌هایی گره خورده است که در تراث گرانسنگ اسلامی ما ارزنده بود. ازدیدگاه اقبال فلسفه قیام امام حسین علیه السلام و یارانش برای کسب آزادی، گریز از بندگی غیر خدا، اثبات بندگی خدا و برخورداری از آزادی در سایه تعبد الهی بود، لذا بهترین درسی که از قیام حسین بن علی علیه السلام می‌توان آموخت، حریت است (قنبری، ۱۳۹۳: ۲۰۳) اقبال می‌نویسد:

در نوای زندگی سوزاز حسین اصل حریت بیاموز از حسین
از دیدگاه اقبال فلسفه قیام عاشورا، آزادی از قید و بند است همانگونه که سجع و
قافیه در شعرارزنده است، محتوا ارزنده تر است. بدون تردید اقبال از محتوا و مضامین
بلند اسلامی به خوبی استفاده کرده است. اقبال برای زیبایی محتوای اشعار خود
صحنه‌های حماسی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی و فرهنگی را به تصویر می‌کشد.
مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هایی که از جانب امام حسین علیه السلام صورت گرفت،
بی سابقه بود و از همه مهمتر قیام او در برابر یک حکومت تا دندان مسلح انجام گرفته
است. این قیام را در گفتار، پندار، مباحث کلامی، برخورد با سیاستمداران، ارتباط
تشکیلاتی، میراث فرهنگی، سنت و آداب مسلمانان تأثیرگذار می‌داند و قیام امام
حسین علیه السلام را یک حرکت اصلاحی مورد تأیید قرار می‌دهد و آن را به هیچ زمانی محدود
نمی‌سازد، بلکه همواره در سبک زندگی اسلامی در عرصه‌های کلان سیاسی و فردی
تأثیرگذار است و اوج تأثیرپذیری خود را این گونه به تصویر می‌کشد:

رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعله‌ها اندوختیم

اوج تمدن و فرهنگ اسلامی میانه قرن‌های دوم تا چهارم هجری با مرکزیت شهرهایی
مانند بغداد، دمشق، غرناطه (اسپانیا)، نیشابور و مانند اینها بود و مسلمانان همیشه با
غرور از این دوران تاریخی و شکوفایی فرهنگی یاد می‌کنند. از این روز یک فیلسوف
علامه همانند اقبال بیش از دیگران انتظار می‌رود که به چنین دورانی با چنین فرهنگی
ببالد. از نظر اقبال مکتب حسین متشکل از یک مجموعه نظام‌مند از قبیل آداب،
سنت‌ها، بینش‌ها، اندیشه‌ها، نظام باورها، هنجارها، سیر و سلوک فردی و اجتماعی و
میراث علمی و فرهنگی است. از همین جهت وی در اشعار، مقالات و سخنرانی‌های
خود، همواره سعی کرده است که قهرمانان اسلامی را از لابلای تاریخ بیرون بکشد و
جلوی چشمان مسلمانان قرار بدهد و الگویی برای سایر مسلمانان ارائه دهد. اقبال
همیشه تلاش و سعی کرده است که مجدها، عضمت‌ها، فرهنگ‌ها، لیاقت‌ها و
شایستگی‌های این امت را به یاد مسلمانان بیاورد از این رو اقبال لاهوری اندیشمند شهیر
اسلام حق بزرگی برگردن امت اسلامی دارد (اقبال، ۱۳۶۲: ۱۳).

همانگونه که امام حسین علیه السلام دغدغه احیاء دین پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت و فرمود: «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ» (سماوی، ۱۴۱۹: ۱/ ۵)؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم؛ چرا که (این گروه) سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را از بین برده‌اند؛ همین دغدغه را اقبال نیز داشت. ایشان سنت‌ها و رهنمون‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مایه رشد و سعادت بشر و بی‌توجهی به آنها را سبب شکست دانسته است.

هست دین مصطفی دین حیات	شرع او تفسیر آیین حیات
گرزمینی آسمان سازد تورا	آنچه حق می‌خواهد آن سازد تورا
صیقلش آینه سازد سنگ را	از دل آهن رباید زنگ را
تا شعار مصطفی از دست رفت	قوم را رمز بقا از دست رفت

اقبال لاهوری یک روح چند بعدی است. وی تمام تلاش خود را کرد تا ایدئولوژی اسلامی را که در طول تاریخ به وسیله خدعه‌های سیاسی و یا گرایش‌های ضد و نقیض فلسفی قطعه قطعه شده بود و هر قطعه آن در میان گروهی نگهداری می‌شد، همه را جمع کند و کتاب *تجدید بنای تفکر مذهبی اسلامی* را بنگارد (گنگره بزرگداشت اقبال در حسینیه ارشاد علامه اقبال، بی‌تا: ۱۱۴). شاهکار عظیم ترویج ساختن شخصیت بدیع و چند بعدی و تمام خودش است (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

قیام امام حسین علیه السلام در اشعار و اندیشه‌های اقبال

اقبال در تجزیه و تحلیل قیام عاشورا، مبانی خاصی داشت. در نگاه او قیام امام حسین علیه السلام، بسان حرکت اصلاحی مورد تأیید قرار می‌گیرد و متعلق به زمان محدود نخواهد بود. از جمله این مبانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حاکمیت ناخوانده یزید

اولین مسئله‌ای که در بحث دولت‌ها و حکومت‌ها مطرح می‌شود، حاکمیت است. معاویه خلافت را موروثی کرد و برخلاف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای چهارگانه و عهدنامه صلح با امام حسن علیه السلام، فرزندش یزید را بر تخت سلطنت نشانید. امام ابوحنیفه هرگونه بیعت با حکومتی را که از طریق جبر، اکراه، غلبه و استیلاء شکل گرفته باشد را مردود

می دانست. یگانه راه انتخاب خلیفه و تشکیل حکومت، بیعت و پذیرش اهل حل و عقد بود که شخص دارای شرایط امامت و خلافت را برمیگزیدند و به مقام خلافت انتخابش می کردند. حتی اگر شخص خلیفه شرایط خلافت را دارا می بود، ولی افرادی که شورای حل و عقد از آنان تشکیل شده، شرایط شورا را نمی داشتند، باز هم با انتخاب آنان حکومت تشکیل نمی شد و خلافت خلیفه مشروعیت نداشت (شلبی، ۱۹۸۳: ۵۹-۶۴).
 یزید پس از مرگ معاویه و در اولین اقدام برای تثبیت قدرت خود و نسق گرفتن از مخالفین برای بیعت گرفتن از چهره های شاخص جامعه و در رأس آنها امام حسین علیه السلام اقدام کرد. اقبال لاهوری (۱۳۴۳: ۷۴) اینگونه می سراید:

چون خلافت رشته از قرآن گسیخت حریت را زهراندر کام ریخت
 خاست آن سر جلوه خیر الامم چون سحاب (ابر) قبله باران در قدم

۲- عدالت خواهی

عدالت از اصول خدشه ناپذیر آموزه های اسلامی در حکومت داری اسلامی است. از بارزترین مفاسد حکومت اموی، ظلم به مردم و نادیده گرفتن حقوق آنان و در مقابل، یکی از محورهای عمده قیام امام حسین علیه السلام، عدالت خواهی و ظلم ستیزی است. تکلیف هر مسلمان ایجاب می کند که در مقابل طاغوت و ظلم قیام کند. پیام عاشورا دعوت انسان ها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است که بدون این موضوع، حیات بشری تباه می شود و زمینه مرگ دستوره های الهی و دینی فراهم می آید. اقبال لاهوری در این زمینه معتقد است که یکی از مهمترین اهداف قیام امام حسین علیه السلام عدالت خواهی است. علت قیام را گسستگی خلافت (حاکمیت اسلامی) از حریت و آزادی می داند، چون خلافت اسلامی به ملوکیت (پادشاهی) تبدیل و حاکمیت از حریت (آزادی و آزادی)، مساوات (برابری) و اخوت (برادری) تهی شد، مردم تشنه و در آرزوی عدالت بودند؛ ناگهان ابررحمتی بر آسمان به غم نشسته اسلام ظاهر شد و بر صحرای کربلا آغاز به باریدن کرد و اقبال (۱۳۴۳: ۷۴) این صحنه را این گونه

۱. به پا خاست و قیام کرد.

به تصویر می‌کشد:

برزمین کربلا بارید و رفت لاله درویرانه‌ها کارید و رفت
عزم او چون کوهساران استوار پایدار و تندسیر و کامکار
تاقیامت قطع استبداد کرد موج خون او چمن ایجاد کرد

اقبال مدعی است که امام علیه السلام با این کارش ریشه استبداد را برای همیشه قطع کرد. مگر نه اینکه امام علیه السلام و یارانش قتل عام شدند و زنان و فرزندانشان به اسارت گرفته شدند، پس چه جای گفتن چنین سخنی است؟ آری اقبال هم این را می‌داند و به خوبی هم می‌داند، اما او مقصود دیگری دارد. او می‌خواهد بگوید امام علیه السلام و یارانش با ایثار، به صورت نمادین بنای استبداد را ویران کردند و نشان دادند که از این پس هر کس باورمند به اسلام حسین علیه السلام است، قاطع شجره خبیثه استبداد است. یعنی مسلمان حسینی و موحد قرآنی بودن نه استبدادگراست و نه استبدادپذیر. پس هر کس و با هر نام و نشان استبداد بورزد یا بپذیرد و با این وجود خود را حسینی بداند یا نادان است یا نیرنگ باز. به نظر می‌رسد که اقبال معتقد است ایثار و فداکاری برای از بین بردن ظلم و ستم حتی اگر به قیمت جان انسان‌ها هم تمام شود، کامیابی و موفقیت است و هرکسی در برابر ظلم و ستم ندای عدالت بلند می‌کند آن شخص حسینی است.

در نوای زندگی سوز از حسین اصل حریت بیاموز از حسین

بنابراین، عدالت خواهی یکی از مهمترین فلسفه قیام عاشورای حسینی است که اقبال آن را تایید کرده است (قنبری، ۱۳۹۳: ۲۰۳). مسیر اقبال عدالت خواهی است؛ چنانچه شریعتی در مورد او می‌گوید: اقبال یک رهبر ضد استعمار است. در برخی شرایط تاریخی و اجتماعی یک جهت‌گیری خاص می‌تواند معرف همه وجوه یک شخصیت یا جنس و جوهر یک فکر و یک مکتب باشد (شریعتی، ۱۳۸۴: ۸۹).

۳- انقلاب

یکی دیگر از مبانی فکری امام ابوحنیفه عدالت محوری است؛ لذا قیام در برابر حکومت ظالم را جایز می‌دانست و کسانی را که بر چنین حکومتی قیام می‌کردند، اگر



اهل علم و تقوا می بودند، همکاری و پشتیبانی کردن از آنان را واجب می شمرد. اگر شخصی توانایی همکاری جانی را نمی داشت، همکاری مالی و... را بر او واجب می دانست، لذا تاریخ بیان می کند که امام ابوحنیفه قیام کردن در برابر حکومت امویان را شرعاً جایز دانسته و از همین جهت حمایت خود را از قیام زید بن علی اعلام می دارد (طارق، ۲۰۱۱: ۱۳۵). اقبال از نظر مکتب کلامی و فقهی حنفی است و در زمانی می زیست که استعمار انگلیس بر مسلمانان سیطره کرده بود، لذا با توجه به مبانی فکری خود، در اشعار حماسی خویش به دنبال آزادی و پیکار علیه انگیزه ها و دست های استعمارگر بود. اقبال مردی انقلابی است از همین جهت کسی را مسلمان می داند که پیشگاه هیچ کس، به جز خدا، سر تعظیم و کرنش فرود نیاورد و همیشه با روحیه انقلابی زندگی کند و با این روحیه زنده بماند.

مسلمانی که داند رمز دین را نساید پیش غیر الله جبین را
اگر گردون به کام او نگردد به کام او بگرداند زمین را

اقبال در شعری دیگر برای رهایی از بردگی و استثمار فکری، خاور و شرق را به انقلاب فرا می خواند.

پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟ باز روشن می شود ایام شرق
در ضمیرش انقلاب آمد پدید شب گذشت و آفتاب آمد پدید
یورپ از شمشیر خود بسمل فتاد زیر گردون رسم لادینی نهاد
گرگی اندر پوستین بره ئی هر زمان اندر کمین بره ئی

اقبال لاهوری، در اشعار حماسی خود به انقلاب تأکید می کند. در طول تاریخ اسلام از آغاز تا کنون، قیام های متعددی شده است ولی حساس ترین و سرنوشت سازترین آنها، قیام امام حسین علیه السلام است که در برابر یزید ایستادگی کرد و تکلیف خود را از همه سنگین تر دانست (ابن اثیر، ۱۹۹۷: ۴ / ۴۸). در حقیقت قیام امام حسین علیه السلام الگوی آزادی خواهان همچون اقبال شد.

بهر حق در خاک و خون غلتیده است پس بنای لا اله گردیده است
راز ابراهیم و اسماعیل بود یعنی آن اجمال را تفصیل بود

عزم او چون کوهساران استوار
خون او تفسیر این اسرار کرد
تیغ لا چون از میان بیرون کشید
نقش الا الله بر صحرا نوشت
رمز قرآن از حسین آموختیم
شوکت شام و فر بغداد رفت
تار ما از زخمه اش لـرزان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان

پایدار و تند سیرو کامکار
ملت خوابیده را بیدار کرد
از رگ ارباب باطل خون کشید
سطر عنوان نجات ما نوشت
ز آتش او شعله‌ها افروختیم
سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تازه از تکبیر او ایمان هنوز
اشک ما بر خاک پاک او رسان

(اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۷۴)

اقبال معتقد است که امام حسین علیه السلام با خون خویش کلمه طیبه «لا اله الا الله» را، که سند نجات و آزادی موحدان از بندگی استبداد و همه معبودهای زمینی است، تفسیر کرد و در آن صحرا شجاعانه جام شهادت نوشید و نشان داد که هیچ کسی نمی‌تواند مسلمان موحد را به بند و بندگی بکشد.

ای صبا ای پیک دور افتادگان اشک ما بر خاک پاک او رسان

۴- شهید

شهیدان آزادی و حریت برای اعلائی کلمه الله، جان‌های شریفین شان قربانی می‌کنند. انگیزه و دلیل اساسی شهادت در مکتب اسلام عشق است. از همین جهت اقبال برای عشق و ایثار ارزش والایی قایل است، معشوق ازلی و ابدی باری تعالی است که ضمیرهای پاک و فطرت‌های صاف آن را با اعیان قلوب می‌بیند و در راه او جان می‌دهد، اقبال معتقد است شهادت امتحان عملی عبادت و زهد است و درجه اعلائی اخلاص و داد است. شهیدان با خون، دفتر عشق و توحید را می‌نگارند و برای همیشه زنده و جاوید می‌مانند؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بل احياء ولکن لاتشعرون» (بقره / ۱۵۴)؛ برای کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده نگویید که آنها زنده هستند ولکن شما نمی‌دانید (شادروان، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

مزار شهیدان یکی عنان درکش که بی زبانی او حرف گفتنی دارد

۵- شمشیر

علامه اقبال لاهوری معتقد است که شمشیریکی از عوامل ریشه کن کننده کفر و الحاد است. در موارد بسیار دشمن با ارشاد و ارائه حقایق تسلیم حقیقت نمی شود، بلکه از سکوت مسلمانان سوء استفاده می کند:

آدم از بی بصری بندگی آدم کرد
گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد
یعنی از خوی غلامی زسگان خوارتر است
من ندیدم که سگی پیش سگی سرخم کرد
از این رو امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از شمشیر استفاده کرد.
کشید تیغ تف قهر حق نمود شراره زآب پسند بلیغش نشد علاجی و چاره
(همان، ۲۰۳)

نتیجه

قیام امام حسین علیه السلام در برابر حکومت امویان به واقعه خونباری به پایان رسید اما این جریان از زمان وقوع تا امروز به شکل پویا در صحنه حیات بشری حضور داشته و به سیر حرکت خود ادامه داده است. در همان زمان برخی به شکل مستقیم از این حرکت پشتیبانی کردند و برخی دیگر واکنش های متفاوتی از خود نشان دادند و با افکار و اندیشه خود برای همیشه در برابر آن رزمیدند. بعد از قرن ها راه امام حسین علیه السلام، الگوی فکری برخی نهضت ها و انقلاب های معاصر قرار گرفت. افزون بر اندیشمندان شیعه، اندیشمندان مشهور اهل سنت نیز در مورد نهضت عاشورای حسینی قلم فرسایی کردند و در احیاء آن کوشیدند و به عنوان الگوی زندگی خود از آن متأثر شدند. یکی از این اندیشمندان مشهور علامه اقبال لاهوری است مردی که در مورد قیام امام حسین علیه السلام حرف های ارزشمند دارد. وی از متن جامعه برخواست و با روح تحوّل و اصلاح طلبی و با الگوی حسینی، امت اسلامی را به قیام و مبارزه دعوت کرد. اشعار اقبال تحت تأثیر نهضت عاشورای حسینی سرشار از عشق به خالق یکتا، شهادت، زهد و... است. از

لحاظ سیاسی وی معتقد است که نباید امامت و خلافت ناخواسته و تحمیلی را قبول کرد، از همین جهت قیام امام حسین علیه السلام را تأیید کرده است و در مبارزه علیه استعمار از این قیام به عنوان شاهد استفاده کرده است. از آنجایی که اندیشه‌های اقبال هیچ‌گاه در تضاد با فرقه‌های کلامی و فقهی نبود و دور نمای تفکر اقبال رسیدن به تمدن سکولار غرب بود، لذا اندیشه‌های این عالم فرزانه می‌تواند زمینه‌ساز زندگی مسالمت آمیز امت اسلامی و اقتدار و عزت جامعه دینی شود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن اثیر، علی بن أبی الکریم (۱۹۹۷م)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (بی تا)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب* بهامش لاصابة، بیروت، دار احیاء التراث.
- ابن کثیر قرشی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (بی تا)، *البدایه والنهایه*، بیروت، مکتبه المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابوزهره، محمد (۱۹۴۷م)، *ابوحنیفه حیاتہ وعصرہ- آراؤہ الفقہیة*، قاهره، دار الفکر العربی.
- الأزهری الهروی، محمد بن احمد (۲۰۰۱م)، *تهذیب اللغة*، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اقبال، جاوید (۱۳۶۲ش)، *زندگی نامه اقبال لاهوری*، ترجمه شهیندخت کامران مقدم، بی جا، بی نا.
- برفی، محمد (۱۳۹۶ش)، *سیمای حسین علیه السلام از منظر اهل سنت*، تهران، محراب فکر.
- حنفی الرازی، زین الدین محمد بن ابی بکر (۱۴۲۰ق)، *مختار الصحاح*، صیدا، الدار النموذجية.

- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (بی تا)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- راجی، عبدالقدوس (بی تا)، نظام سیاسی اسلام، سایت کتابخانه عقیده.
- رازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر (۱۴۲۰)، مختار الصحاح، بیروت، مکتبه لبنان.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۹ش)، درآمدی بر شیعه شناسی، قم، ترجمه و نشر المصطفی.
- ساکت، محمد حسین (۱۳۸۵ش)، ماهتاب شام شرق (گزاره و گزینه ای اندیشه شناسی اقبال)، تهران، میراث مکتوب.
- سعدی، ابوحیب (۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸م)، القاموس الفقهی، دمشق، دار الفکر.
- شادروان، حسن (۱۳۸۲ش)، مختصری از مفاهیم و شرح اسرار خودی - رموز بیخودی علامه اقبال لاهوری، تهران، انتشارات راه دانش.
- شریعتی، علی (۱۳۸۴ش)، ما و اقبال (مجموعه آثار)، تهران، الهام - بنیاد فرهنگی دکتر شریعتی.
- شلبی، احمد (۱۹۸۳م)، الساسیة فی الفكر الاسلامی، قاهرة، مکتبة النهضة المصرية.
- طارق، سوید (۲۰۱۱م)، ابوحنیفة النعمان الامام الاعظم، بی جا، الابداع الفکری.
- عبد الحمید عمر، أحمد مختار (۱۴۲۹ق)، معجم اللغة العربية المعاصرة، بی جا، عالم الکتب، الطبعة الأولى.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۶۸ش)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
- عمید، حسن (۱۳۸۸ش)، فرهنگ عمید، قم، انتشارات فرهنگ نما.
- الفیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر، تحقیق: یوسف الشیخ محمد، بی جا، المکتبة العصرية.
- قنبری، بخشعلی (۱۳۹۳ش)، فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

- لاهورى، محمد اقبال (۱۳۴۳ش)، كليات اشعار فارسي، به كوشش احمد سروش، تهران، بى نا.
- لاهورى، محمد اقبال (۱۳۴۳ش)، كليات اشعار فارسي اقبال مولانا اقبال لاهورى، مقدمه و شرح: احمد سروش، تهران، كتابخانه سنائى.
- مجلسى، محمد باقر (۱۰۴۳ق)، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفا.
- محمد بن طاهر، السماوى (۱۴۱۹ق)، ابصار العين فى انصار الحسين عليه السلام، بى جا، مركز الدراسات الاسلامية لحرس الثورة.
- مرتضى الزبيدى، محمد بن محمد (۱۹۸۴م)، تاج العروس من جواهر القاموس، بى جا، دار الهداية.
- مصطفى، إبراهيم وأحمد الزيات (بى تا)، المعجم الوسيط، تحقيق: مجمع اللغة العربية، بى جا، دار الدعوة.
- نمله، عبدالكريم (۱۴۲۰ق)، المهذب فى علم اصول الفقه المقارن، رياض، مكتبة الرشد.

